

نگاهی به تاریخچه دانش صرف و نقد

و بررسی کتاب شافیه اثر ابن حاجب

اثر: دکتر سید بابک فرزانه

(از ص ۱۰۵ تا ۱۱۴)

چکیده:

دانش تصریف که وظیفه تجزیه کلمات را بر عهده دارد در ادبیات عرب سخت با اهمیت است چه بوسیله قالبهایی که توسط دانشمندان علم صرف ارائه شد زبان عربی گسترش لغوی یافت. در نیمه نخست سده ۳ ق ابو عثمان مازنی کتابی مستقل در صرف تألیف کرد پس از او جنبش تألیف در علم صرف همچنان ادامه یافت تا این که در سده ۷ ق ابن حاجب کتاب الشافیة فی التصریف را نوشت و بسیار مورد توجه قرار گرفت به گونه‌ای که سبب شد تألیفات گوناگونی در باره آن به رشته تحریر در آید که تقریباً محتوای اصلی همه آنها یکی است. در میان همه این تألیفات شرح رضی الدین استرآبادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مقاله ضمن ارائه تاریخچه مختصری از علم صرف و معرفی برخی آثار که در این زمینه نگاشته شده، به بررسی کتاب شافیه و نقد و بررسی شرحهای آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: صرف، قیاس، فعل، اسم، حرف.

مقدمه:

تصریف (یا صرف)، در لغت به معنای بازگردانیدن، منحرف کردن، آشکار نمودن و واضح گردانیدن (ابن منظور، لسان العرب، ۳۲۸/۷-۳۲۹؛ لین، فرهنگ عربی - انگلیسی، 4/1680-81) و در اصطلاح بخشی از دستور زبان عربی است که به استناد قالبها و قیاسهای کلی درباره ویژگیها و دگرگونیهایی مانند حروف اصلی و زاید، ابدال، اعلال، ادغام و... در فعلها و اسمهای متمکن خارج از ساختار جمله گفتگو می‌کند (تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، ۲۰/۱؛ ابن عقیل، شرح ابن عقیل، ۵۲۹/۲؛ رضی الدین استرآبادی، شرح شافیه، ۷-۱/۱؛ ابن هشام، اوضح المسالك، ۳۶۰/۴؛ جرجانی، التعریفات، ۱۳۹، ۶۱؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ۴۱۲/۱).

هنگامی که دانشمندان در صدد گردآوری واژه‌ها برآمدند، قوانینی عمومی و کلی که قابل انطباق با جزئیات است وضع کردند تا بوسیله آنها ساختمان کلمات را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و بدینسان دانش تصریف (یا صرف) بوجود آمد و همانگونه که نحویان در گردآوری قوانین ساختاری زبان عربی تأثیری پراهمیت داشتند، کار دانشمندان علم صرف نیز در خصوص وضع قوانینی که مربوط به ساختمان واژه‌ها بود و بوسیله آنها چگونگی اشتقاق اسم فاعل، اسم مفعول، مصدر میمی، اسم زمان و... شناخته می‌شد، سخت در خور توجه است؛ چه بدون تردید اعراب نخستین همه مشتقات یک ماده را بکار نمی‌گرفتند و این دانشمندان علم صرف بودند که قوانین اشتقاق و قیاس را که معیارهای واژه‌سازی نیز بود در اختیار آنان گذاردند و این ملاکها و معیارها سبب اصلی گسترش لغوی زبان عربی گردید. علم صرف در آغاز با نحو که وظیفه بررسی نقش واژه‌ها در ساختار جمله را برعهده دارد، آمیخته بود و بطور کلی اصطلاح نحو که از آغاز قرن اول هجری شناخته شده بود شامل پژوهشهای نحوی، صرفی و تا اندازه‌ای لغوی می‌شد (یعقوب، فقه اللغة العربیة و خصائصها، ص ۳۸-۳۹). نحو نویسانی چون ابو اسحاق حضرمی

(د ۱۱۷ق)، عیسی بن عمر ثقفی (د ۱۴۹ق)، ابو عمرو بن العلاء (د ۱۵۴ق) و سیبویه (د ۱۸۳ق) در آثار خود مباحث صرفی را در کنار مباحث نحوی مطرح می‌ساخته‌اند. ابن عصفور در مقدمه کتاب خود، الممتع، دانش تصریف را سخت با اهمیت دانسته، آن را میزان زبان عربی معرفی می‌کند و اعتقاد دارد که این علم بر دیگر دانشهای زبان عربی مقدم است با این همه می‌گوید لغزشهای فراوان دانشمندان سبب ابهام و پیچیدگی این علم گشته است (الممتع، ۱/۲۷-۲۹).

کوفیان بر آنند نخستین کسی که در این علم بحثی مستقل ارائه کرده، معاذ بن مسلم الهزّاء (د ۱۸۷ق) دانشمند شیعی مذهب است. سیوطی نیز معاذ را نخستین واضع دانش صرف می‌داند (سیوطی، بغیة، ۲/۲۹۰-۲۹۱).

در نیمه نخست سده ۳ ق دانشمند بصری ابو عثمان بکربن محمد مازنی (د ۲۴۹ق) در علم تصریف کتابی مستقل و در خور ذکر نگاهت که بر دانش گسترده او در این زمینه دلالت داشت (کحاله، اللغة العربية، ۱۴۳؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ۱/۴۱۲)، پس از وی ابو الحسن تمیمی (د ۲۹۸ق)، زجاج (د ۳۱۱ق) و ابو علی فارسی (د ۳۷۷ق) در آثار خود مباحث صرفی را مطرح کردند. آنگاه ابن جنی (د ۳۹۲ق) کتاب التصریف الملوکی و سرالصناعة را تألیف کرد و به شرح کتاب مازنی پرداخت و آن را المنصف نامید. از این زمان به بعد کار تألیف در زمینه صرف ادامه یافت و گروهی نیز به شرح و حاشیه نویسی بر آن آثار دست زدند و به همین سبب از اواخر سده ۴ به بعد انبوهی کتاب در این خصوص پدیدار گشت. در میان همه این آثار الشافیة فی التصریف اثر ابو عمرو عثمان بن عمر معروف به ابن حاجب (د ۶۴۶ق) (برای آگاهی از شرح حال وی رک: ابن عماد، شذرات، ۵/۲۳۴؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ۶/۳۶۰؛ ابن خلکان، وفيات، ۳/۲۴۸-۲۵۰؛ سیوطی، بغیة، ۲/۱۳۴-۱۳۵) از شهرت خوبی برخوردار گشت.

ابن حاجب در دانش نحو تألیفات بسیاری دارد. وی صرف و نحوی را که توسط زمخشری در هم آمیخته شده بود از هم جدا کرد و به شیوه ابن جنی (د ۳۹۲) و

مازنی بازگردانید (فلیش، ۴۰/۱؛ به نقل از دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۲۹۸/۳) و باید گفت شافیه ابن حاجب با وجود شهرتش بازتاب دیدگاههای ابن جنی در *سرالصناعة* است اما بسیار خوب فصل بندی و تنظیم شده است. این کتاب که نسخه های خطی بیشمار دارد (رک: بروکلیمان، تاریخ ادبیات عرب، ۱/370؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ۲/۱۰۲۰-۱۰۲۲؛ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ۱۳/۳۱۳-۳۱۴) بارها به طبع رسیده است از جمله: کلکته (۱۸۰۵م)؛ قسطنطنیه (۱۸۵۰م)؛ کونپور (۱۲۷۸م)؛ لکهنو (۱۲۷۸م)؛ دهلی (۱۳۱۰م)؛ قاهره (۱۲۹۸م).

شافیه با تعریف علم صرف آغاز می شود آنگاه مؤلف ساختمان اسمها را مورد بررسی قرار می دهد سپس به ساختمان افعال می پردازد. دیگر مباحثی که در این کتاب آمده از این قرار است: ۱- بررسی وزن کلمات. ۲- قلب و راه های شناخت آن. ۳- صحیح و معتل. ۴- ساختمان اسامی ثلاثی مجرد و مزید و نیز اسمهای رباعی و خماسی و بررسی وزنهای اصلی و فرعی برخی کلمات. ۵- ساختمان فعل ماضی و مضارع ثلاثی و ثلاثی مزید و ارائه معانی گوناگون این ساختها که بخش عمده ای از کتاب را به خود اختصاص داده است. ۶- صفت مشبیه، مصدر و انواع آن، مصدر مره و نوع و اسمهای مکان، زمان و ابزار. ۷- تصغیر، اسم منسوب و جمع مکسر. ۸- التقای ساکنین، ابتداء، وقف، إمالة، إعلال، إبدال، إدغام و خط که مباحث پایانی کتاب است. همانگونه که ملاحظه می شود ترتیب موضوعی کتاب شافیه با آنچه پیش از آن در زمینه علم صرف نوشته شده است تفاوتی ندارد.

شرح شافیه ابن حاجب:

با توجه به اهمیت این کتاب، و اختصار آن عده ای از دانشمندان و دستورنویسان از جمله خود مؤلف به منظور آسان ساختن و تبیین مباحث آن به شرح و تفسیرش

پرداخته‌اند. و گروهی نیز برای روشن کردن ابهاماتی که در این شرحها راه یافته است بر آنها حاشیه نوشته‌اند و عده‌ای دیگر بر حاشیه آنان حاشیه‌ای دیگر نگاشته‌اند. و بدینسان انبوهی کتاب درباره شافیه به نگارش درآمد.

برخی از مهمترین شرحهای شافیه ابن حاجب عبارت است از:

۱. شرح رضی الدین أسترآبادی (د ۶۸۴ ق/ ۱۲۸۵ م)، (رک: خوانساری، روضات، ۳۳۴/۱؛ مدرس، ریحانة الادب، ۳۱۵/۲). این شرح در لکهنو (۱۲۶۲ ق)، تهران (۱۲۸۰ ق)، دهلی (۱۲۸۳ ق)، لاهور (۱۳۱۵ ق)، قاهره (۱۳۴۵ ق) و بیروت (۱۳۹۵ ق) به کوشش محمد نورالحسن و دیگران، به چاپ رسیده است. شرح رضی الدین که به صرف رضی نیز شهرت دارد یکی از جامعترین شرحهایی است که بر شافیه نوشته شده است. این شرح دربرگیرنده نکاتی نقادانه است و شاید بتوان گفت از این نظر منحصر به فرد است. رضی الدین در مسائل مختلف با ابن حاجب به مخالفت می‌پردازد و در جای جای شرح خود با عباراتی نظیر: قوله کذا لیس علی اطلاقه و یا قوله: «أحوال ابنیة الکلم» یخرج من الحد معظم ابواب التصریف و یا قوله: «التی لیست بإعراب» لم یکن محتاجا إلیه، نظریات خود را بیان می‌دارد.

۲. شرح جاربردی، جاربردی این شرح را به دستور محمد بن الوزير الساوی نوشت (شرح جاربردی، ۴/۱-۸). این اثر سخت مورد توجه ادیبان واقع شد و خیلی زود در زمره کتابهای درسی و مراجع مهم قرار گرفت. شرح جاربردی گرچه در مقایسه با شرح رضی الدین کم حجم‌تر است اما باید گفت مطالب آن شفاف‌تر بیان شده است.

ویژگیهای این شرح را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- مشتمل بر تقسیم بندیهایی است که زائیده فکر و اندیشه مؤلف است.
- ۲- حاوی تعلیلات و تمثیلاتی است که به ایجاز بیان گردیده است.

۳- در این شرح مواضع دشوار شرح منسوب به ابن حاجب حل شده و ضمن اشاره به دیدگاه‌های وی، نظریات دیگر شارحین نیز آمده است. با توجه به اهمیتی که این شرح داشته حواشی متعددی بر آن نگاشته شده است از جمله: حاشیه محمد بن قاسم غزی غرابیلی (د ۹۲۸ق/۱۵۱۲م) (بروکلمان، تاریخ ادبیات عرب، ملحقات، 1/536,2/440)، حاشیه عزالدین محمد بن احمد معروف به ابن جماعه (د ۸۱۶ق)، این کتاب به صورت مجموعه‌ای ۱۳۱۰ ق در استانبول به طبع رسیده است؛ حاشیه عصام الدین اسفراینی (بروکلمان، تاریخ ادبیات عرب، ملحقات، 1/536)؛ الدرر الکافیة، اثر حسین کمالانی رومی که ضمن مجموعه‌ای ۱۳۱۰ ق در استانبول به چاپ رسید. نیز حاشیه از مؤلفی نامعلوم که نسخه خطی آن در ظاهریه نگهداری می‌گردد (بروکلمان، تاریخ ادبیات عرب، ملحقات، 1/536).

۳. شرح نقره کار (۷۰۶-۷۷۶ق/۱۳۰۶-۱۳۷۴م) (رک: زرکلی، اعلام، ۴/۱۲۶-۱۲۷؛ مدرس ریحانة الادب، ۶/۲۳۰)، نقره کار شرح شافیه را برای یکی از امیران مصر به نام جامی به رشته تحریر درآورد. شرح او از دو شرح رضی و جاربردی مختصرتر و عباراتش سلیس و روانتر است. مؤلف خود در این باره می‌گوید: «قد کتبت له شرحا مراعیاً فیه شریطة الاختصار متجافیا و صمة الاطالة و الاکثار اذ الايجاز یخل و الاطناب قد یمل و افیا بتلخیص مقاصده مبانیه» (ص ۳). در شرح نقره کار معانی واژه‌های دشوار توضیح داده شده است.

۳. شرح عصام الدین اسفراینی (۸۷۳ - ۹۴۵ق/۱۴۶۸-۱۵۳۸م)، عصام با بیان مقدمه‌ای کوتاه به متن ابن حاجب می‌پردازد. در سراسر شرح او به جز چند مورد نقد گونه مطلب تازه‌ای مشاهده نمی‌شود و در قیاس با شرح‌های یاد شده مختصرتر است.

۴. شرح آقا هادی مازندرانی (مترجم مازندرانی)، که به زبان فارسی است. وی در این اثر خود از شرح رضی الدین استرآبادی بهره فراوان برده است و می‌توان

گفت که این شرح ترجمه و تلخیص شرح رضی است. با اینهمه برخی از گفته‌های او را مورد نقد قرار می‌دهد. آقا هادی این شرح را به فرمان حسین علی خان نگاشته است.

۵. شرح نظام الدین نیشابوری، حسن بن محمد بن حسین قمی نیشابوری معروف به نظام نیشابوری و نظام أعرج، مفسر، ادیب و دانشمند سده ۸ ق است (بروکلمان، تاریخ ادبیات عرب، ملحقات، 1/536, 2/273). اصل او و وطن خانواده‌اش شهر قم است اما او در نیشابور پرورش یافت و از این رو به نیشابوری مشهور شد. صاحب روضات او را «امام المفسرین» و «عصام المتبحرین» خوانده است (۱۰۲/۳؛ امین، اعیان الشیعة، ۲۴۸/۵). در خصوص ضبط لقب وی (نظام) اختلاف نظر وجود دارد برخی آن را نَظَام (به فتح نون و تشدید ظاء) خوانده‌اند و برخی نظام (به کسر نون و بدون تشدید) (رک: زرکلی، اعلام، ۲۱۶/۲؛ مدرس، ریحانة الادب، ۱۹۶/۶، پانوشتم شم ۱؛ شمالوی، مقدمه شرح نظام، ص ۱۳). شرح نظام بر شافیه ابن حاجب آمیخته و ممزوج با متن شافیه است و احتمالاً - با توجه با آنچه در پایان کتاب آمده - مؤلف آن را برای یکی از والیان یا امیران نگاشته است. این شرح بارها به چاپ رسیده و پیوسته مورد استفاده مدرسان و طلاب علوم دینی بوده است. با نگاهی به آثار نظام الدین (رک: سیوطی، بغیة، ۵۲۵/۱؛ امین، اعیان الشیعة، ۲۴۸/۵؛ بروکلمان، تاریخ ادبیات عرب، ملحقات، 2/273) در می‌یابیم که تخصص اصلی وی در زمینه ریاضیات است و به همین سبب آثار ادبی او اندک و در آنها دیدگاه‌های نقادانه وجود ندارد. شرح شافیه او تنها تبیین گفته‌های ابن حاجب است که البته از عبارتهای پیچیده نیز تهی نیست. اخیراً به کوشش استاد علی شمالوی چاپ تازه‌ای از کتاب در سوریه منتشر شده که مشتمل بر تعلیقاتی مفید است با اینهمه اغلاط مطبعی و غیر مطبعی فراوانی در آن یافت می‌شود. محتوای غالب شرح‌های شافیه یکی است و می‌توان گفت با مطالعه یک یا دو نمونه از آنها از دیگر شروح مستغنی هستیم حتی در میان آنها عبارتهای کاملاً

مشابهی یافت می‌شود که البته در بسیاری از موارد امری طبیعی است. در اینجا به چند نمونه از موارد یاد شده اشاره می‌گردد:

۱- رضی الدین استرآبادی (شرح شافیه، ۱/۱): قوله «بأصول» یعنی بهالقوانین الكلية المنطبقة على الجزئيات.

نقره کار (ص ۴): المراد من الاصول الامور الكلية المنطبقة على الجزئيات
نظام الدين (ص ۱۸): الاصل... في العلوم عبارة صورة كلية منطبقة على ماتحته
من الجزئيات.

۲- نظام الدين (ص ۲۲): «و يعبر عن الزائد» عن الاصول «بلفظه» كما يقال: وزن ضارب فاعل و وزن مضروب مفعول، يعبر عن الالف الزائدة و عن الميم و الواو الزائدين بالفاظها

نقره کار (ص ۶): «و يعبر عن الزائد» في ابنية الكلمة على الحروف الاصول و «بلفظه» كقولك وزن ضارب و مضروب، فاعل و مفعول فعبر عن الالف و الميم و الواو الزوائد بلفظها

نتیجه:

در آنچه گذشت با تاریخچه دانش صرف عربی آشنا شدیم و دیدیم که صرف در آغاز با نحو در آمیخته بوده و اصطلاح نحو در آن زمان صرف را نیز شامل می‌شده است. در نیمه نخست سده ۳ ق دانش صرف به صورت دانشی مستقل در کتاب مازنی ارائه شد. کتاب ابن حاجب در علم صرف که در نوع خود بی نظیر بود پایه و محور اصلی بسیاری از تحقیقات صرفی آن زمان قرار گرفت و شروح گوناگونی برای شفاف کردن پیچیدگی‌هایش بر آن نوشته شد که البته همه آنها مانند هم بود و در

هیچیک مطلب تازه و قابل توجهی که آنرا بر سایر کتابها برتری دهد یافت نمی شد. از آن میان آن همه شرح رضی الدین استرآبادی به سبب تقسیم بندی بدیع و استواریش بیش از همه مورد توجه قرار گرفت و امروزه نیز در زمره منابع معتبر در زمینه علم صرف به شمار می رود.

منابع:

- ۱- آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الى تصانیف الشيعة، بیروت، دارالاضواء
- ۲- ابن تغری بردی، یوسف، النجوم الزاهرة، المؤسسة المصرية العامة للتالیف و الترجمة و النشر، ۱۳۸۳ ق/ ۱۹۶۳ م.
- ۳- ابن خلکان، احمد، وفيات الاعیان، به کوشش احسان عباس، بیروت، بی تا
- ۴- ابن عصفور، علی، الممتع فی التصریف، به کوشش فخرالدین قباوة، بیروت، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م
- ۵- ابن عقیل، عبدالله، شرح ابن عقیل، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م
- ۶- ابن عماد حنبلی، ابوالفلاح، شذرات الذهب، دارالکتب العلمیة، بیروت، بی تا.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
- ۸- ابن هشام، عبدالله، اوضح المسالک الى الفیة ابن مالک، بیروت، دارالفکر.
- ۹- امین، محسن، اعیان الشیعة، به کوشش حسن الامین، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
- ۱۰- تهانوی، محمد علی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، به کوشش رفیع العجم بیروت، ۱۹۹۶ م.
- ۱۱- جاربردی، احمد بن حسن، شرح جاربردی بر شافیه ابن حاجب، ضمن مجموعه الشافیه من علمی الصرف و الخط، بیروت، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
- ۱۲- جرجانی، علی، التعریفات، بیروت، ۱۹۸۵ م.
- ۱۳- حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۲ م.
- ۱۴- خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، قم، ۱۳۹۱ ق.
- ۱۵- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۶۹.

- ١٦- رضی الدین استرآبادی، محمد، شرح شافیه ابن حاجب، به کوشش محمد نورالحسن و دیگران، بیروت، ١٣٩٥ق / ١٩٧٥م.
- ١٧- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، ١٩٨٩م.
- ١٨- سیوطی، عبدالرحمان، بغیة الوعاة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ١٣٨٤ق / ١٩٦٤م.
- ١٩- شمالوی، علی، مقدمه و حاشیه بر شرح النظام، دمشق، ١٤١٢ق / ١٩٩٢م.
- ٢٥- کحاله، عمر رضا، اللغة العربية و علومها، ١٣٩١ق / ١٩٧١م.
- ٢١- مدرس، محمد علی، ریحانة الادب، کتابفروشی خیام، ١٣٦٩ش.
- ٢٢- نقره کار، عبدالله، شرح الشافیه فی التصریف، استانبول، بی تا.
- ٢٣- نیشابوری، حسن، شرح النظام، چاپخانه دارالخلافة، تهران.
- ٢٤- یعقوب، امیل بدیع، موسوعة النحو والصرف و الاعراب، بیروت، ١٩٨٦م.
- 25- Brockelmann, Carl, Geschichte der Arabischen Litteratur, Leiden, 1943 & Supplement, 1938
- 26- Lane, E, Arabic - English Lexicon, Beirut, 1980